

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تخریب معکوس با شایعه

نویسنده: سید محمد ناطقی

پاییز ۱۳۹۷

## مقدمه :

تخریب یعنی ویران کردن و خراب کردن ، یک وقت است که شما بصورت فیزیکی اینکار را انجام میدهید و یک وقت است بصورت لفظی و یا مجازی ، تخریب مستقیم یعنی شما چه لفظی یا چه واقعی و چه مجازی به هدفتان حمله کرده و تخریبش کنید اما تخریب معکوس یعنی شما بگونه ای عمل کنید که در نهایت دیگران هدف را تخریب کنند نه شما و یا خود به خود تخریب شود اما آغاز کننده اش شما باشید و سرعت تخریب را نیز زیاد بکنید؛ درباره دین بر حق اسلام نیز همینگونه است، شایعه ای را در فضای مجازی بگونه ای که محتوایش کاملاً در ظاهر به نفع اسلام باشد پخش میکنند ( عمدتاً با ادبیات عامیانه و بدون منبع دهی معتبر ) و سپس وقتی فراگیر شد ( وقتی فراگیر شد دیگر معلوم نیست ریشه اش در کجا بوده است و عاملان شایعه عمدتاً نامشخص می مانند ) به یکباره آمده و میگویند که این سخن به این دلیل دروغ بود، حال کسی که کمی ایمانش سست باشد چه میکند ؟ معلوم است به اصل دین شک میکند. در این مقاله میخواهیم چند دست از این شبهات را بررسی کنیم و البته پاسخ آن شبهات را نیز بدهیم.

## ۱ - دو بحر :

تابحال آیه قرآن را درباره وجود دو دریا که یکی آبش شیرین است و دیگری شور دیده اید؟ گمانه ها و نظریات در این باره متفاوت است که حال می‌خواهیم آنان را بررسی کنیم:

۱ : میگویند محل تلاقی دریای بالتیک و دریای شمال در شهر توریستی اسکاگن دانمارک است که مراد این آیه است و عکسی را هم نشان میدهند که در فضای مجازی است و البته ویدیوی کوتاهی نیز است . و اما وبسایت خبر آنلاین ( خبر آنلاین : نشریه ای وابسته به معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد و دبیر شورای عالی اطلاع رسانی دولت ) به این شکل خواسته آنرا رد کند<sup>۱</sup> :

حقیقت ماجرا اما چیز دیگری است. این درست است که تصویر در خلیج آلاسکا ثبت شده، اما نه جایی که آب‌های دو اقیانوس به هم می‌رسند. محل ثبت تصویر در فاصله‌ای نه چندان دور از ساحل قرار دارد، جایی که رودهای حامل آب‌های شیرین و تازه ذوب شده از یخچال‌های روی خشکی، به خلیج می‌ریزند و به آب‌های شور اقیانوس آزاد می‌رسند؛ اما چرا رنگ اولی آبی روشن و رنگ دیگری، آبی تیره است؟

کنث برلند (Kenneth Bruland) استاد علوم اقیانوسی در دانشگاه کالیفرنیا-سانتا کروز، عکاس همان تصویری است که سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶) به فضای سایبری راه یافت. آن سال، او همراه با گروهی از پژوهشگران در سفر دریایی اکتشافی به خلیج آلاسکا سفر کرد تا نقش آهن را در جریان‌های اقیانوسی و چرخه مواد معدنی شمال اقیانوس آرام بررسی کند. هدف اصلی دیگر همکارانش، بررسی جریان‌های کند اقیانوسی (eddy) در این منطقه بود. برخی از این جریان‌ها به ابعاد بزرگی با قطر صدها کیلومتر می‌رسند و جریان‌هایی چرخشی از ساحل آلاسکا به درون خلیج ایجاد می‌کنند.

رودخانه بزرگ کوپر (Copper) که بیش از ۴۵۰ کیلومتر درازا دارد، همراه با رودخانه‌های دیگر، جریان آب شیرین حاصل از یخچال‌های ذوب شده را به خلیج منتقل می‌کنند. این آب هرچند شور نیست، اما مواد معدنی فراوان و آبرفت‌های زیادی را با خود حمل می‌کند که آهن، بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد. همین ترکیبات معدنی محلول است که رنگ آب را تغییر داده است.

می‌پرسید این مواد معدنی از کجا می‌آید؟ آبی که از ذوب یخچال‌ها جاری می‌شود، در مسیر خود کوه‌ها و صخره‌ها را می‌شوید و با ایجاد فرسایش، مواد معدنی را لایه‌لایه از سنگ جدا می‌کند. این مواد را پودر سنگ هم می‌نامند. وقتی این ریز ذرات به حجم بزرگ تری از آب وارد می‌شوند، تحت تأثیر جریان‌های اقیانوسی قرار می‌گیرند و به میان خلیج آلاسکا منتقل می‌شوند. در این تصویر هم جریان آب شیرین و پر از املاح معدنی به آب‌های آزاد رسیده است و به خاطر تفاوت شدید ترکیب محلول‌ها، با مرز مشخصی دیده می‌شوند؛ اما این مرز، دائمی و بدون تغییر نیست. به تدریج، آب‌ها با هم در می‌آمیزند و املاح در اقیانوس پخش می‌شود.

و اما ایرادات و بسایت خبر آنلاین :

یک منبع برای گفته‌هایش ذکر نمی‌کند ... یک نفرنس به پژوهشگاه و ... ای نمیدهد ، پس به چه حقی ادعا میکند که :

۱ : برای خلیج آلاسکا است ... منبع ؟

۲ : کنث برلند گفته است ... منبع ؟

۳ : عکاس آن تصویر است ... منبع ؟ عکاس تصویر هم باشد [که نیست چون اگر سندی بود این وبسایت ارائه میداد [پس فیلم را چه کسی گرفته است؟].

متأسفانه این وبسایت ، حتی یک منبع هم برای گفته‌های خود ارائه نمیدهد. اما در وبسایتی دیگر<sup>۳</sup> که سایت خبری مربوط به منطقه آلاسکا بود ، در پستی بقلم فردی به نام بن اندرسون ( Ben Anderson ) بیان کرده بود که این عکس مربوط به خلیج آلاسکا است و کن برلند تحقیقاتی را در این زمینه انجام داده است . وبسایت شبستان<sup>۴</sup> نیز به نقل از گمانه<sup>۵</sup> این عکس را مربوط به خلیج آلاسکا دانسته بود .

نکته جالب دیگر در این باره این است که در میان برخی وبسایتهای لاتین دیگر نیز بدون هیچ گونه منبع موثقی گفته بودند این عکس برای خلیج آلاسکا است و برخی دیگر بیان کرده بودند برای دریای شمال و بالتیک است ؛ اما وبسایتهای معتبر نشان میدادند که واقعاً آب دریای بالتیک در محلی با آب دریای شمال مخلوط نمیشود ( البته معلوم نیست که تا چه طولی این مخلوط شدن ادامه دارد و ما نتوانستیم فعلاً متوجه شویم ) :

مفصل ترین گزارش را در اینجا میتوان دید :

[www.helcom.fi/baltic-sea-trends/environment-fact-sheets/hydrography/water-exchange-between-the-baltic-sea-and-the-north-sea-and-conditions-in-the-deep-basins](http://www.helcom.fi/baltic-sea-trends/environment-fact-sheets/hydrography/water-exchange-between-the-baltic-sea-and-the-north-sea-and-conditions-in-the-deep-basins)

از وبسایتهای دیگر :

[sciencevibe.com/2015/07/06/true-or-hoax-the-baltic-and-the-north-sea-dont-mix](http://sciencevibe.com/2015/07/06/true-or-hoax-the-baltic-and-the-north-sea-dont-mix)

[www.anchel.com/where-the-north-sea-meets-the-baltic-sea](http://www.anchel.com/where-the-north-sea-meets-the-baltic-sea)

[btechprasad.com/science-behind-baltic-north-sea-not-mixing](http://btechprasad.com/science-behind-baltic-north-sea-not-mixing)

[answers.yahoo.com/question/index?qid=20120627134102AAw9gFG&guccounter=1](http://answers.yahoo.com/question/index?qid=20120627134102AAw9gFG&guccounter=1)

و اما درباره کنث برلند :

این فرد در دانشگاه کالیفرنیا سانتا کروز و در بخش علوم اقیانوس مشغول بکار است<sup>۶</sup>. تحقیق وی نیز در اینباره در دسترس است<sup>۷</sup>؛ اما خبری از عکسی که خبر آنلاین میگوید کنث برلند گرفته است در تحقیقاتش نیست. گفته های خبر آنلاین را در یک وبسایت دیگر نیز دیدیم بدون اینکه منبع موثقی را این وبسایت ارائه دهد<sup>۸</sup>، چنانچه بیان کرده است این عکس مربوط به دریای بالتیک و شمال نیست و مربوط به تلاقی دو اقیانوس آرام و اطلس در خلیج آلاسکا است که کنث برلند این عکس را گرفته است، بدون هیچ گونه منبعی و ایضاً باز فیلم را معلوم نکرده است که آیا فیلم را نیز کنث برلند گرفته است؟ در حالیکه برای همین عکس هم یک منبع ارائه نمیدهند. اما در وبسایتی دیگر با قرار دادن یک منبع سخنان مشابه خبر آنلاین را بیان کرده بود<sup>۹</sup> که وقتی به یکی از منابع مراجعه کردیم<sup>۱۰</sup> دیدیم که در آن نیز بیان شده است این عکس متعلق به آبهای ساحلی و آبهای خلیج آلاسکا است، البته نام کنث برلند به صورت « Ken Bruland » در این وبسایت و برخی وبسایتهای دیگر آورده شده بود، ولی این منبع کاملاً موثق و مورد اعتماد نیست و وقتی باز تحقیق کردیم وبسایت معتبری را نیافتیم که بیان کند این عکس متعلق به برلند و مربوط به خلیج آلاسکا است و چنانچه پیشتر اشاره کردیم، در جایی دیگر و در پست مربوط به کنث برلند و تحقیقاتش درباره خلیج آلاسکا این عکس نبود<sup>۱۱</sup>. عمده لینکهایی که عکس را از کنث برلند بیان میکردند درباره ویدیو هیچ چیزی نمیگفتند که ویدیو از چه کسی است، یک لینک دیگر هم با اینکه ویدیویی در اینباره گذاشته بود<sup>۱۲</sup> اما تنها از همان عکس استفاده کرده بود. اما لینک دیگری را دیدیم که ویدیویی قرار داده و بیان کرده بود مربوط به مخلوط نشدن آب اقیانوس آرام و اطلس است<sup>۱۳</sup> و اینرا به تحقیقات کنث برلند ربط داده بود، بنابراین درباره ویدیو هم برخی لینک ها آنرا به دریای بالتیک و شمال ربط داده و این لینک به کنث برلند و مخلوط نشدن

آب اقیانوس اطلس و آرام. بنابراین در فضای مجازی با دو دسته لینک طرف شدیم، نخست لینکهایی که میگفتند این عکس [در برخی، ویدیو نیز] مربوط به کنث برلند و خلیج آلاسکا و یا اقیانوس آرام و اطلس است و دوم لینکهایی که بیان میکردند مربوط به دریای بالتیک و شمال است. درباره کرث برلند ما به منبع موثقی دست نیافتیم که نشان دهد او این عکس را گرفته است و لینکهایی که گذاشتیم نیز نمیتوان آنان را کاملاً موثق و معتبر خواند [البته بعید نیست ویدیو و عکسها مربوط به اقیانوس آرام و اطلس باشند]. ولی با استناد به لینک کمیته حفاظت از محیط زیست دریای بالتیک<sup>۱۴</sup> که قرار دادیم، در این شکی نیست که آب دریای بالتیک و شمال تا حدی با هم مخلوط میشوند ولی در لینک این سازمان، عکس و ویدیوی<sup>۱۵</sup> که در فضای مجازی بود و آنرا منتسب به دریای بالتیک و شمال میکردند وجود نداشت.

و حال، بیان ما بر دریای بالتیک و شمال:

این دو دریا اند و ذکر شده است بخاطر اختلاف بین شوری و دمایشان مخلوط نمیشوند که امری است بدیهی؛ این که اگر دو دریا وجود داشته باشند یکی شور و دیگری شیرین، آیا مخلوط میشوند یا نه، این امر مشخص است که مخلوط نمیشوند، اما مسئله برخی این است که آیا این چنین دو دریایی وجود دارد یا نه؛ ما سندی ندیدیم که نشان دهد آب دریای بالتیک یا شمال واقعا شیرین است یا تنها مقدار شوری و دمای آب این دو دریا باهم متفاوت است و بنظر می آید شوری و... شان متفاوت باشد، بنابراین خبری از شیرین بودن دریای بالتیک یا شمال نیست، در حالیکه آیه قرآن سخن از دو بحر میزند که یکی شیرین است و دیگری شور. از اینها که بگذریم، نه عکس را میتوان به دریای بالتیک و شمال ربط داد و نه مراد از دو بحر این دو دریا است و این یک شایعه بوده است.

۲: برخی گفته اند مربوط به پدیده هالوکلا این است. و اما بیان ما:

این پدیده برای یک اقیانوس است و نه دو دریا، یعنی در یک منطقه رخ میدهد و بگونه ای که آب زیرین شوری اش با آب بالایی فرق دارد. البته میتواند مراد این آیه باشد اما احتمال هم است که نباشد. شاید یک نوع هالوکلا این هم همین اختلاف بین دو بحر باشد؛ چنانچه بحر را به معنی توده آب بگیریم هالوکلا این در قطب شمال میتواند صحیح باشد و مراد از آن توده سطحی و توده زیرین آب باشد [بحر تنها به معنای دریا نیست و معنی توده آب را نیز میدهد<sup>۱۶</sup>].

ویدیویی را برخی نابینایان در اینترنت نشر داده اند و در آن بیان میکنند که در پدیده هالوکلا این هر دو آب بالا و پایین شور هستند و تنها مقدار شوری شان خیلی کم با هم فرق دارد، اما این کذابان هیچ گونه سندی برای گفته

های خود ذکر نمیکنند و بنابراین حرفشان باطل میشود . بعلاوه اینکه مدافعان این احتمال ، پدیده هالوکلاین را در قطب شمال بیان میکنند که سطحی ترین آب شیرین است و پایین ترین آب شور ، اما در ویدیویی که نابینایان در اینترنت نشر داده اند بطور کلی بررسی کرده اند در حالیکه این پدیده در جاهای متفاوت ، فرق میکند و ممکن است در جایی هر دو آب شور باشد و مقدار شوری شان کمی متفاوت باشد و در جای دیگری آب سطحی شیرین باشد. ویدیوی مدافعین این احتمال این است :

[www.aparat.com/v/mVtQj](http://www.aparat.com/v/mVtQj)

۳ : برخی آمده و گفته اند که منظور اهل بیت است.

نقد ما بر این گفته این است که هیچ قرینه ای با قطعیت اینرا تأیید نمیکند .

البته آنچنان که پیشتر اشاره کردیم ، بحر در لغت همیشه به معنی دریا نیست و به توده آب نیز میگویند ، مثلاً میتواند محل تلاقی دو رودخانه بزرگ و ... را هم به بحر بگیریم .

همچنین محل تلاقی دو رودخانه رون [ که سرچشمه اش از کوه های آلپ سوئیس است<sup>۱۷</sup> ] و رودخانه ارو [ که سرچشمه اش از توده کوه های مونت بلانک در رشته کوه های آلپ است<sup>۱۸</sup> ] است :



در صحت این عکس شکی نیست و اینکه برای این دو رودخانه است ؛ اما دو نکته در اینباره وجود دارد :

۱ : این دو رودخانه تا طول بسیار زیادی بدین شکل باقی نمی ماند .

۲ : آیا واقعاً یکی کاملاً شیرین است و دیگری شور و یا شوری یکی از دیگری کمتر است و املاحشان متفاوت است ؟ .

بیان آخر :

یک احتمال دیگر هم است و آن این است که میتوان این آیه از قرآن را دال بر ویژگی مخلوق دانست نه وجود مخلوق ، به این صورت که منظور خداوند این است که خلقتش بگونه ای است که اگر دو دریا که یکی کاملاً شیرین و دیگری کاملاً شور باشد و کنار هم قرار بگیرند با هم مخلوط نمیشوند که در صحت این امر شکی نیست . همچنین میتوان با توجه به معنای بحر گفت که منظور خداوند دو توده آب موجود در دنیا است که یکی شیرین و دیگری شور است و با هم مخلوط نمیشوند ، چنانچه ما هم آب شیرین داریم و هم شور . در آیات قرآن به دو گونه تلاقی دو دریا برمیخوریم ، یکی دو دریا که یکی شان شیرین است و دیگری دو دریا که تنها خداوند به محل تلاقی آنها اشاره میکند و سخنی از شیرین بودن یکی از آنها نیست :

۱- آیات دسته اول که سخن از شیرین بودن یکی از بحرهایست و لفظ آیات کلی است :

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾

و او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد یکی گوارا و شیرین و دیگری شور و تلخ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گوئی هر یک به دیگری می گوید) دور باش و نزدیک نیا! (۵۳) سوره الفرقان

أَمْ نَجْعَلُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلْ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلْ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلْ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلُ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾

یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و در میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای زمین کوههای ثابت و پا بر جا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند، با این حال) آیا معبودی با خدا است ؟، نه بلکه اکثر آنها نمی دانند (و جاهلند). (۶۱) سوره النمل



وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً  
تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾

این دو دریا یکسان نیستند: این دریائی که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و این یکی که شور و تلخ و گلوگیر است، (اما) از هر دو گوشت تازه می‌خورید، و وسائل زینتی استخراج کرده می‌پوشید، و کشتیها را در آن می‌بینی که آنها را می‌شکافند (و به هر طرف پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌گیرید و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید. (۱۲) سوره الفاطر

۲- آیات دسته دوم که سخنی از شیرین بودن یکی از بحرهای نیست و لفظ آیات نیز اشاره به منطقه ای خاص میکند:

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَتَاهُ لَأَأْتِئُكَ مِنْ هَاهُنَا قَوْمٌ ﴿٦٠﴾

بخاطر بیاور هنگامی که موسی به دوست خود گفت: من دست از طلب بر نمی‌دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم. (۶۰)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند و ماهی راه خود را در پیش گرفت (و روان شد). (۶۱) سوره الکهف

درباره آیات دسته دوم شک نیست که منظور خداوند اشاره به منطقه ای خاص است که دو دریا قرار داشته‌اند و محل تلاقی آن دو دریا بوده است که میتواند محل تلاقی دریای شمال و بالتیک باشد و یا اگر بحر را به توده آب بگیریم میتواند محل تلاقی دو رودخانه هم باشد که این بدیهی است که در چند جای دنیا این چنین پدیده ای را میتوانیم ببینیم<sup>۱۹</sup>. اما آیات دسته اول صراحتاً به شیرین بودن و مخلوط نشدن اشاره میکنند اما یک نکته سبب میشود که این آیات را کلی بدانیم و آن آیه اول است که در آن گفته شد:

این دریائی که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و این یکی که شور و تلخ و گلوگیر است، (اما) از هر دو گوشت تازه می‌خورید، و وسائل زینتی استخراج کرده می‌پوشید، و کشتیها را در آن می‌بینی که آنها را می‌شکافند (و به هر طرف پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌گیرید و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید. پرواضح است که در نزد اعراب دریای بالتیک و شمال وجود خارجی نداشته است و یا هالو کلاین [ چنانچه آیه قرآن میگوید از هردو، اما هالو کلاین مربوط به یک منطقه است ]، همچنین در نزد اعراب هیچ منطقه‌ای وجود نداشته است که دو دریا باشند کنارهم که یکی شور و دیگری شیرین و باهم مخلوط نیز نشوند، ایضاً این چنین منطقه‌ای در نزد مردم ایران و بطور کل در آن زمان در نزد مسلمانان وجود نداشته است و گزارشی در دست نیست، گفته‌های این آیه قرآن نیز ناظر به رودخانه نمیتواند باشد و ناظر به اقیانوس‌ها اما میتواند باشد، چه آن که اولاً گفته شده است که کشتیها را در آن میبینی که آنها را می‌شکافند، قاعدتاً ناظر به رودخانه نمیتواند باشد [ اگرچه برخی رودخانه‌ها قابلیت کشتیرانی دارند اما عمومیت ندارد و ایضاً این چنین دو رودخانه‌ای را نیز در آن زمان کسی نمی‌شناخت ] دوماً خوردن گوشت تازه و استخراج وسایل زینتی به‌مراه وجود کشتیها باهم، نمایانگر اقیانوس و دریا میتواند باشد. پس اینکه خداوند گفته است دو بحر که از هردو نیز منفعت می‌برید و یکی شیرین و دیگری شور است میتواند ناظر به وجود توده‌های آب شیرین و شور در کره زمین باشد که باهم یکی نمیشوند چراکه خداوند اینگونه خلق کرده است. بنابراین نتیجه‌گیری که میتوان کرد:

آنکه آیات دسته اول اشاره دارند به مخلوط نشدن آبهای شیرین و شور دنیا و یا بطور کل، ویژگی مخلوق را بیان کرده‌اند و نمونه آن میتواند جریان گلف استریم<sup>۲۰</sup> باشد. توجه کنید، آیه قرآن نمیگوید که دو بحر بی‌انتها هستند و ... بلکه بیان میکند دو بحر که از هر دو گوشت تازه می‌خورید و ... و این یعنی در هر جای دنیا دو بحر میتواند باشد به این شکل که مؤید سخن ما هم است و البته کل دنیا را نیز میتوان فرض کرده با توده آب شیرین و توده آب شور که باهم مخلوط نمیشوند.

ایضا میتوان گفت حضرت موسی (علیه السلام) نیز به منطقه‌ای رفته بوده است که دو بحر یکی شیرین و دیگری شور در آن قرار داشته و مخلوط نمیشدند.

در پایان سخنانی را نیز از آیت الله مکارم شیرازی دیدیم که در فهم آیات کمک شایانی میکند:

سابقا در تفسیر سوره فرقان به این واقعیت اشاره کردیم که رودخانه های عظیم آب شیرین هنگامی که به دریاها و اقیانوسها می ریزند معمولا دریایی از آب شیرین در کنار ساحل تشکیل می دهند و آب شور را به عقب می رانند و عجب اینکه تا مدت زیادی این دو آب شیرین و شور به خاطر تفاوت درجه غلظت به هم آمیخته نمی شوند. در مسافرت با هواپیما در مناطقی که این رودخانه ها به دریا می ریزند منظره دریاهاى آب شیرین و شور که در کنار هم قرار دارند و از هم جدا هستند به خوبی از بالا نمایان است، و هنگامی که کناره این آبها به یکدیگر مخلوط شوند آبهای شیرین تازه جای آنها را می گیرند، به طوری که این دو دریای جدا از هم دائما جلب توجه می کند.

جالب اینکه به هنگام مد دریا که سطح اقیانوس بالا می آید آبهای شیرین به عقب رانده می شود، بی آنکه با آب شور مخلوط گردد (مگر در مواقع خشکسالی و کم آبی) و قسمت زیادی از خشکی را می پوشانند، لذا ساحل نشینان در این مناطق با مهار کردن این آبهای شیرین نهرهای زیادی در منطقه ساحلی به وجود می آورند که به وسیله آن زمینهای فراوانی مشروب میشود.

این نهرها که از برکت جزر و مد ساحلی و تاثیر آن در آب این نهرها به وجود می آید در شبانه روز دو بار از آب شیرین پر و خالی می شود، و وسیله بسیار مؤثری برای آبیاری مناطق وسیعی هستند.

در باره این دو دریا تفسیر جالب دیگری از ناحیه بعضی گفته شده که منظور از آن احتمالا جریان "گلف استریم" است که شرح آن را به خواست خدا در نکات ذیل همین آیات بیان خواهیم کرد.

...

اگر تعجب نکنید در سراسر اقیانوسهای جهان رودهای عظیمی در حرکت است که یکی از نیرومندترین آنها "گلف استریم" نام دارد.

این رود عظیم از سواحل آمریکای مرکزی حرکت می کند و سراسر اقیانوس اطلس را می پیماید و به سواحل اروپای شمالی می رسد.

این آبها که از مناطق نزدیک به خط استوا حرکت می کنند گرم هستند، و حتی رنگ آنها گاه با رنگ آبهای مجاور متفاوت است، و عجب اینکه عرض همین رود عظیم دریایی (گلف استریم) در حدود ۱۵۰ کیلومتر، و

عمق آن چند صد متر می‌باشد! سرعت آن در بعضی از مناطق به قدری است که در یک روز ۱۶۰ کیلومتر راه را طی می‌کند.

تفاوت درجه حرارت این آبها با آبهای مجاور در حدود ۱۰ تا ۱۵ درجه است، و لذا حاشیه غربی آن را دیوار سرد می‌نامند.

"گلف استریم" بادهای گرمی بوجود می‌آورد، و مقدار قابل توجهی از حرارت خود را به طرف کشورهای شمالی قاره اروپا می‌برد، و هوای آن کشورها را بسیار مطبوع می‌کند، و شاید اگر این جریان نبود زندگی در آن کشورها بسیار سخت و طاقت فرسا بود.

باز تکرار می‌کنیم "گلف استریم" یکی از این رودهاست، و در آبهای پنج قاره جهان نظیر این جریان دریایی فراوان است.

و عامل اصلی آن تفاوت حرارت منطقه استوایی زمین و مناطق قطبی است که این حرکت را در آب دریاها به وجود می‌آورد.

این موضوع را با یک تجربه ساده می‌توان دریافت: اگر ظرف بزرگ آبی داشته باشیم در یک طرف آن قطعه یخی قرار دهیم، و در طرف دیگر قطعه آهن داغی، و روی سطح آب کمی کاه بریزیم، می‌بینیم جریانی در سطح این آب پیدا می‌شود و آبها آهسته از آن منطقه گرم به سوی منطقه سرد حرکت می‌کنند، عین این ماجرا در کل دریاهای جهان روی می‌دهد، و سرچشمه پیدایش این رودهای دریایی است.

عجب اینکه این رودهای عظیم دریایی با آبهای اطراف خود کمتر آمیخته می‌شوند و هزاران کیلومتر راه را به همان صورت می‌پیمایند و مصداق "مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ" را به وجود می‌آورند! و از آن جالبتر اینکه در محل برخورد این آبهای گرم با آبهای سرد مجاور، پدیده ای رخ می‌دهد که برای انسان بسیار پر سود است، زیرا در محل تقاطع این آبهای گرم و سرد یک نوع حالت بی‌حسی یا مرگ دست جمعی برای حیوانات ذره بینی که در میان آب معلق هستند به وجود می‌آید، و از این راه ماده غذایی فراوان و بی‌حساب جمع می‌شود که سبب جلب دسته‌های بزرگ ماهیان می‌گردد، و به این ترتیب این منطقه یکی از بهترین مناطق صید ماهی در کره زمین است (دائرة المعارف "فرهنگنامه" جلد ۱۲ صفحه ۱۲۲۸ و نشریه بندر و دریا شماره ۴ صفحه ۱۰۰ و منابع دیگر).

و لذا یکی از تفسیرها برای آیات فوق همین است و منافاتی با سایر تفسیرها ندارد و جمع میان همگی ممکن است<sup>۱۱</sup>. معظم له در ادامه تفسیر باطنی آیه را با روایتی بیان میکنند [ که دو بحر را دال بر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و امام علی (علیه السلام) دانسته شده است ] اگرچه تفسیر باطنی بنظر ما با این آیه ناسازگار است .

### **نتیجه گیری :**

اینکه برخی میخوانند مراد از این پدیده را دریای بالتیک و شمال بدانند کاملاً غلط بوده و آیه قرآن کل دنیا را مد نظر داشته است نه مکانی خاص را [ چنانچه آیات دسته اول و دوم را باهم لحاظ کنیم ]، ایضاً برای هالوکلاین نیز، این پدیده در همه جا بدین صورت نیست که آب بالایی شیرین و آب پایینی شور باشد، بلکه در برخی مکان ها هر دو آب شور اند [ مگر اینکه بنا را بر پدیده هالوکلاین در مکان هایی که آب سطحی شیرین است بگذاریم ]، بنابراین مراد از این دو بحر همان توده های آب شیرین و شور در دنیا اند که باهم مخلوط نمیشوند همچون گلف استریم و همینطور میتواند ویژگی مخلوق باشد، یعنی مخلوط نشدن دو بحر شیرین و شور .

## ۲ - ناسا و شق القمر :

ویدیویی در فضای مجازی نشر دادند و گفتند که ناسا شق القمر را تأیید کرده است و پس از آن سه دیدگاه شکل گرفت :

نخست آنانی که میگفتند ناسا شق القمر را تأیید کرده است<sup>۲۲</sup>.

دوم آنانی که میگفتند ناسا شق القمر را تأیید نکرده است<sup>۲۳</sup>.

سوم آنانی که میگفتند ناسا شق القمر را تأیید نکرده است اما شواهدی در اسناد ناسا است که حاکی از تأیید وجود شق القمر در ماه است<sup>۲۴</sup>.

و اما بیان ما بر سه مطلب فوق :

مطلب اول : چیزی با نام کمر بند و ... ای که دور تا دور کره ماه باشد وجود خارجی ندارد و ناسا هم شق القمر را ابدأ تأیید نکرده است.

مطلب دوم : بله ، ناسا شق القمر را تأیید نکرده است .

مطلب سوم : اما درباره وجود گسل ها و ... روی کره ماه ، باید بگوییم که وجود دارند اما نمیتوان با قطعیت گفت که وجود اینها در مرکز ماه دال بر دو نیم شدن کره ماه اند . هیچ گسل و کمر بندی هم که دور تا دور کره ماه باشد وجود ندارد ، البته بعنوان یک احتمال برخی آنرا در نظر می گیرند .

حال میرسیم به خود مسئله شق القمر و شبهاتی که پیرامون آن مطرح کرده اند و پاسخ اشکالات :

۱ : گفته اند چرا مردم دیگر مناطق شق القمر را گزارش نکرده اند ؟ .

الف : دیدن ماه کامل که بعد از آن دو نیم شدن آن مشهود باشد در یک شب ، یعنی مناطقی در دنیا که ماه را میتوانسته ببینند و ایضاً شب چهاردم ( یا پانزده و سیزده و این حدود ) ماه قمری باشد تا ماه کامل یا تقریباً کامل در آن مناطق دیده شود . بنابراین تنها مناطقی در دنیا در آن موقع قادر به دیدن این واقعه بوده اند .

ب : دو نیم شدن ماه مدت زیادی طول نکشیده است [ نه آیات قرآن و نه روایات و ... زمان زیادی ولو تا صبح را برای آن بیان نکرده اند و ظاهر آیات از آنجا که معجزه هم بوده است به این میرسد که ماه دو نیم شده و دوباره به

حالت عادی برگشته است که این مدت زمان بسیار کمی را می‌طلبد تا تنها کفار همراه پیامبر دو نیم شدن ماه را مشاهده کنند و این زمانی کمتر از یک دقیقه و چه بسا کمتر از نیم دقیقه می‌خواهد [ بنابراین این اتفاق طولانی نبوده است. شق القمر، تنها به منظور معجزه‌ای برای کفار همراه پیامبر بوده است و نه هیچ کس دیگری، و این یعنی ماه به دو نیم شده و سپس کامل شده است و این زمانش به نیم دقیقه هم شاید نرسد. بنابراین بنا نبوده است مردم دیگر این اتفاق را درک کنند که بخواهد زمانش طولانی تر شود و ...

ج: چه گزارشاتی از مردم آن زمان در دسترس است؟ اگر نگاهی به زمان ۱۴۰۰ سال پیش بیاندازید متوجه میشوید اینکه تاریکی در وسط ماه به یکباره و بدون اطلاع قبلی در برخی مناطق دنیا که معلوم نیست در چه زمانی از شب بوده و البته زمانش هم کم بوده است پدیدار شود، دلیلی ندارد کسی در جای دیگری گزارش کند، کفار همراه پیامبر، پیامبر را دیدند که این معجزه را انجام داد، اما بقیه مکان‌های دنیا چه؟ عده‌ای به یکباره دیدند که تاریکی در وسط ماه پدید آمد و کمی عرض ماه زیاد شد و دوباره همه چیز به حالت عادی برگشت [ البته دو نیم شدن ماه را ندیدند، بلکه تنها دیدند که این ماهی که در آسمان است تاریکی بین دو نیمه‌اش افتاد و این دو نیمه از هم فاصله گرفته‌اند ] حال چه بگویند؟ چه چیزی را گزارش کنند وقتی در همین لحظه کم به یکباره تاریکی وسط ماه افتاده بوده است و سپس از بین میرود، خب این را دال بر وهم و خیال بگذارند یا نصف شدن ماه؟ این عجیب تر از شفق قطبی است؟ یا ماه گرفتگی جزئی در نظر مردم آن زمان [ چنانچه در ماه گرفتگی جزئی نیز تنها تاریکی را بر قسمتی از ماه می‌بینند شبیه به همین شق القمر از دید انسان روی زمین اما با زمان بیشتر ]؟ معلوم است که خیر، همچنین یک گزارش تاریخی از ماه گرفتگی جزئی مربوط به ۱۴۰۰ یا ۱۳۰۰ یا ۱۵۰۰ سال پیش وجود ندارد. اما وقتی فردی همراه پیامبر باشد و ببیند که پیامبر اینکار را میکند، در این صورت است که معجزه بودن آنرا درک میکند. برای فهم بهتر، شبی به آسمان نگاه کنید و فرض کنید تاریکی شبیه وقتی که قسمتی از ماه پشت ابر میرود، در وسط ماه پدیدار شده و دو قسمت ماه فاصله گرفته و سپس ماه به حالت طبیعی باز گردد، خب شما آنرا بعنوان حادثه‌ای تاریخی و مهم گزارش میکنید؟ یا تنها با کمی تعجب نگاه میکنید؟ تعجب شما از این واقعه بعنوان یک انسان ۱۴۰۰ سال پیش، از شفق قطبی بیشتر است؟ خیر، تمام اینها برای موقعی است که هیچ یک از امکانات رسانه‌ای و ... وجود نداشته است و انسان پایش را هم به خاج از جو زمین نگذاشته بود چه رسد به ماه. بنابراین نبود گزارشی بجز کسانی که همراه پیامبر بودند یا از ایشان شرح واقعه را شنیدند طبیعی است، بلکه گزارش کردن آن محل اشکال بود که برای چه باید یک واقعه بظاهر ساده ( افتادن تیرگی در ماه و فاصله گرفتن دو نیمه ماه، بگونه‌ای که گویی عرض ماه کمی افزایش پیدا کرده است ) که در مدت زمان کوتاهی هم بوده است گزارش کنند؟

این نکته حائز اهمیت است که شق القمر نه زمان طولانی داشته است و نه دو نیمه ماه از هم دور شده اند ، بلکه لفظ صریح قرآن تنها میگوید ماه شکافته شد و این یعنی حداقل فاصله بین دو نیمه که همراهان پیامبر تشخیص دهند ماه شکاف برداشته است ، همین [ چنانچه شکاف یعنی حتی یک صدم میلی متر هم بین دو نیمه فاصله باشد ، اما از آنجا که معجزه بوده و همراهان پیامبر باید آنرا می دیدند بنابراین شکاف بیشتر از این مقدار بوده است اما آنقدری نبوده که خداوند بخواهد از لفظی غیر از شکاف به تنهایی استفاده کند ] ؛ و این در نظر افراد مناطق دیگر بر فرض هم که بتوانند ماه را بطور کامل ببینند ، یک واقعه چند ثانیه ای بوده و به این ختم میشود که تیرگی در وسط ماه پدید آمده و سپس رفع میشود با کمی زیاد تر شدن عرض ماه [ اگر بتوانند افراد در آن لحظات تشخیص دهند که عرض ماه زیادتر شده است ] ، همین و بعد هم که همه چیز به حالت اولش برمیگردد ، حال انتظار گزارشی را دارند قوم نابینا ؟. پس ما در وهله اول انتظار گزارش تاریخی مربوط به ماه گرفتگی جزئی را داریم مربوط به همان سالها [ یک قرن قبل و یک قرن بعد نیز در نظر می گیریم ] اما این چنین گزارشی وجود خارجی ندارد ، چون در نظر مردم مهم نبوده است بوجود آمدن تاریکی در قسمتی از ماه ، ایضاً همین است برای شق القمر و کسانی که همراه پیامبر نبوده اند [ گزارش از ماه گرفتگی کامل حتی در زمان قبل از میلاد داریم اما جزئی خیر و سند محکمی در اینباره ما ندیدیم ، توجه داشته باشید منظور ما ماه گرفتگی جزئی نیست که قبل از ماه گرفتگی کامل رخ میدهد که هیچ ربطی به بحث ندارد و مربوط به ماه گرفتگی کامل است ، منظور ما ، ماه گرفتگی جزئی به تنهایی است که در سند معتبری گزارش شده باشد ] .

۲ : گفته اند که آیه دال بر قیامت است .

فعل آیه ماضی بوده و قرینه ی دیگری هم اینرا تأیید نمیکند [ که ماضی بودن فعل آیه را دال بر مسئله دیگری بیان کند ] ، بنابراین این سخن باطل است .

۳ : برخی سخنان دیگر هم راجع به معجزه کردن پیامبر در قرآن است و ... که برخی مطرح کرده اند و اعتبار لازم را ندارد ، چراکه افرادی که مطرح کرده اند چیزی از قرآن و ... سررشته نداشتند و پاسخشان در خود قرآن آمده است ، پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) تابع وحی بود ، هرچه که وحی فرمان میداد پیامبر همان را میکرد .

۴ : آیا در صورت شق القمر نباید اثری از آن باقی می ماند ؟ این ماجرا اثر زیادی روی کره زمین میگذاشت و روی خود کره ماه .



اشکال فوق ، اصل و شاکله اشکالات وارده است که ناشی از نابینا بودن گوینده است . ابتدا چند مورد را باید بررسی کنیم تا بدانید چرا این افراد نابینا هستند :

الف : مدت زمان شق القمر بسیار کم بوده و فاصله زیادی هم دو نیمه ماه از هم نگرفتند که بخواهیم تأثیری برایش بیان کنیم .

ب : شق القمر توسط خالق هستی الله انجام گرفته است ، کسی که ذرات تشکیل دهنده ذرات کره ماه را خلق کرده است ، برای تأکید : خلق کرده است .

ج : کنترل ذرات هستی در گرو ذات اقدس الهی است ، یعنی ذرات بنیادی ذرات تشکیل دهنده کره ماه ، کنترلشان بطور کامل [ گویی که خداوند خود ، آن ذره است که این مربوط میشود به وحدت وجود شیعه و خلقت از عدم ] در اختیار خداوند است .

و اما بیان شق القمر :

قطر کره ماه حدود ۳۵۰۰ کیلومتر است [ ۳۴۷۴ کیلومتر ] و فاصله آن تا زمین حدود ۳۸۵ هزار کیلومتر است ، حال برای دیدن شکافی در ماه آنچکه به نظر ما میرسد این است که دست کم نیاز است به اندازه یک پنجم قطر ماه ، بین دو نیمه ماه فاصله بیافتد و در نتیجه حدوداً فاصله ما میشود چیزی در حدود ۷۰۰ کیلومتر ، یعنی شکافی به عرض ۷۰۰ کیلومتر اگر در وسط ماه بوجود بیاید شق القمر ایجاد شده و همراهان پیامبر نیز آنرا خواهند دید و البته نزدیک به هفت صد کیلومتر نیز به عرض ماه در نظر کسانی که روی کره زمین هستند اضافه خواهد شد ؛ اما واقعیت اینجاست که این مقدار آنقدر ناچیز است که شبیه به ماه گرفتگی جزئی بوده و البته از آن نیز عجیب بودنش در نظر انسانهای روی زمین شاید کمتر باشد ، چراکه چیزی که ایشان می بینند این است که هاله ای تاریک در وسط ماه پدیدار شده و ۷۰۰ کیلومتر به عرض ماه اضافه شدن نیز آنقدر نیست که در نگاه اول به چشم بیاید و مدت زمان شق القمر هم که کم بوده است و بعید است انسانها ، ماه و هاله تاریک را دیده و سپس به دقت به آن نگاه کنند ] همچنین میتوان گفت از زمان ماه گرفتگی جزئی زمانش کمتر بوده است ، اینها جدای از این است که این واقعه قابل پیش بینی توسط هیچ یک از منجمین و ... نبوده است که بخواهند قبل از آن آماده شوند و رصد کنند همانند ماه گرفتگی جزئی که الآنه قبل از آن آماده میشوند ، بلکه به یکباره این واقعه پیش آمده است و این نیز خود دلیلی دیگر است که مردم کاملاً متوجه واقعه نشوند که بخواهند گزارش از آن بدهند ] ، در نتیجه ، بجز همراهان پیامبر که میدانستند قرار است چه اتفاقی بیافتد و بوسیله پیامبر اینکار انجام شد ( بنابراین درک کاملی از این واقعه داشتند )

انسانهایی که مثلاً در سرزمینی دیگر بودند در آن موقع اگر بر فرض هم به ماه نگاه میکردند چیز خاصی دستگیرشان نمیشد که بخواهند گزارش کنند. اما بعنوان مثال اگر همراهان پیامبر از برخی افراد دیگر سؤال می کردند، این افراد ممکن بود به ایشان بگویند (اگر بر فرض هم که آن افراد ماه را در آن زمان دیده و توجه کرده باشند) که ما دیدیم هاله ای تاریک در وسط ماه پدید آمد. ممکن است بگویند شکافی به عرض ۷۰۰ کیلومتر اگر ماه کامل باشد و در مکانی نزدیک تر به زمین (نسبت به موقعیت های دیگرش) [و یا حتی در حد شب ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۲ ماه قمری باشد] کافی است اما اگر ماه به اندازه ای کمتر باشد و نسبت به زمین نیز در دور ترین موقعیت خود باشد باید شکاف بیشتر باشد، در پاسخ باید بگوییم که خنده دار است معجزه شق القمر بخواهد ولو در وقتی انجام شود که ماه نیمه است و بهترین زمان برای این معجزه نیز وقتی است که ماه کامل و در موقعیت نسبی نزدیک به زمین است، آنچنان که بهترین معجزه برای عصای حضرت موسی (علیه السلام) نیز وقتی بود که ساحران سحر خود را بکار بستند [غرض از این مثال این است که تنها وقوع معجزه برای خداوند مد نظر نبوده است بلکه زمان آن نیز یقیناً مد نظر خداوند بوده است و برای شق القمر زمانی بهتر از وقتی که ماه کامل باشد نیست]. همچنین ایجاد شکافی نزدیک به هفت صد کیلومتر در ماه آنهم در مدت زمان کم، تأثیری روی محیط زیست زمین و ... نمیگذارد که مشهود باشد، چنانچه پس از مدت زمان کمی دوباره ماه به حالت طبیعی خود بازگشته است، سند و دلیل محکمی نیست که نشان دهد اگر شکافی به اندازه ۷۰۰ کیلومتر در ماه بوجود بیاید مثلاً در مدت زمان ده یا بیست ثانیه، در آن صورت چنان تغییراتی در کره زمین رخ میدهد که حداقل بخشی از دنیا کاملاً آنرا حس میکنند شبیه به زلزله، در حالیکه این چنین اتفاقی در این مدت زمان و با این شکاف نمیتواند که بیافتد؛ جدای از اینکه عصای موسی تنها به سحر ساحران ضربه زد نه ساحران یا افراد دیگر [معجزه خداوند بنا به هدفی انجام میگردد و جز اهداف معجزه، چیز دیگری در پرتو آن تحقق پیدا نمیکند چرا که کنترل هستی در اراده خداوند است و بی اذن او برگ هم از زمین نمی افتد چه رسد به اینکه خداوند بخواهد جلوی تغییری در کره زمین را بگیرد].

حال میرسیم به اثرات این اتفاق بر کره ماه:

مشکل نابینایان اینجاست که نه خداوند و قادر بودنش را درک کردند و نه فهمیده اند که معجزه چیست، در نظر نابینایان شق القمر چیزی شبیه به این اتفاق است فلذا باید اثراتی از آن بر کره ماه و زمین باشد:

ما موشک بزرگی را با یک بمب اتمی جوش هسته ای بسیار قوی تجهیز میکنیم، سپس آن موشک را به فضا برده و به وسط کره ماه پرتابش میکنیم در نتیجه انفجار بسیار بزرگی رخ داده و شکافی در کره ماه ایجاد میشود و یا شهاب

سنگ بسیار بزرگی به وسط کره ماه برخورد کرده و شکافی را در آن ایجاد میکند ، سپس به زور بازو و چسب و سیمان و ... این دو تکه کره ماه به هم می چسبند !!! برای همین باید اثرات شق القمر در کره ماه وجود داشته باشد و بدلیل این کار اثراتی هم بر روی کره زمین بگذارد . و اما پاسخ این انسانهای عجیب :

وقتی که عصای حضرت موسی (علیه السلام) به ماری بزرگ تبدیل شد و سپس به همان عصا ، هیچ اثری از آن مار و تبدیل شدن در آن عصا وجود نداشته است و آیه قرآن صراحتاً دلالت دارد که آن عصا دوباره همان چوب شد ، چراکه معجزه خداوند بی عیب و نقص است و اثری از خود برجا نمیگذارد مگر اینکه خداوند بخواهد عبرتی برای آیندگان شود که درباره شق القمر شاید این چنین چیزی باشد و گفته های پاورقی سوم درست باشد اما علی الظاهر این چنین چیزی را خداوند نگفته است و در قرآن و روایات معتبر نیست که خداوند اثرات شق القمر را به عمد برای انسانهای بعد از پیامبر نیز منظور داشته است در حالیکه عصای موسی تنها برای انسانهای آن زمان و آن مکان بود و لا غیر و گزارش آن برای درس عبرت ما است عین شق القمر که وقوع آن برای انسانهای همراه پیامبر در آن زمان ولی درس آن چه برای انسانهای آن زمان و چه برسد تا زمان قیامت در قرآن وجود دارد . حال اینرا باید متوجه باشیم که مخلوق نمیخواهد شق القمر را ایجاد کند بلکه خالق میخواهد اینکار را انجام دهد ، یعنی خالق ذرات ماه میخواهد اینکار انجام بگیرد ، حال شهاب سنگ برخورد میکند و ... ؟ واضح است که این مضحک و خنده دار است بلکه خداوند ذره ذره ماه را در محل شکاف از هم جدا کرده و سپس دوباره به هم متصل میکند که نتیجه آن شق القمری میشود بدون اینکه ردی از آن برجای بماند مگر اینکه خود خداوند بخواهد . اگر به این صورت نگاه کنیم که اتم به اتم ماه و بلکم ریزتر یعنی ذرات بنیادی آن عمل کنند ، میتواند هیچ اثری از این شق القمر برجای نماند ، همانگونه که خداوند ماه و زمین را خلق کرده است چنانچه بر ذرات آنها احاطه مطلق داشته است ، شق القمر را نیز بی عیب و نقص انجام داده است .

در تفسیر نمونه نیز سخنانی است که به درک بهتر این موضوع کمک زیادی میکند :

### ترجمه:

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱- قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت. ۲- و هر گاه نشانه و معجزه ای را ببینند اعراض کرده می گویند: این سحری است مستمر! ۳- آنها (آیات خدا را) نکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند و هر امری قرار گاهی دارد.

## تفسیر:

ماه شکافته شد!

در آیه نخست از دو حادثه مهم سخن به میان آمده: یکی نزدیک شدن قیامت است که عظیمترین دگرگونی را در عالم آفرینش همراه دارد و سرآغازی است برای زندگی نوین در جهان دیگر، جهانی که عظمت و گستردگی آن برای ما زندانیان عالم دنیا قابل درک و توصیف نیست.

و حادثه دیگر معجزه بزرگ شق القمر است که هم دلیلی است بر قدرت خداوند بزرگ بر هر چیز و هم نشانه ای است از صدق دعوت پیغمبر گرامیش.

می فرماید: "قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت!" (اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ).

قابل توجه اینکه سوره گذشته (سوره نجم) با جمله هایی پیرامون نزدیکی قیامت پایان گرفت "ازفت الازفه" و این سوره با همین معنی آغاز می شود و این تاکید است بر این موضوع که قیامت نزدیک است گرچه در مقیاس عمر دنیا ممکن است هزاران سال طول بکشد، اما با توجه به مجموع عمر این جهان از یک سو، و با توجه به اینکه تمام عمر دنیا در برابر قیامت لحظه زودگذری بیش نیست منظور از این تعبیر روشن می شود.

ذکر این دو حادثه با هم، همانگونه که جمعی از مفسران گفته اند، به خاطر آن است که اصولاً ظهور پیامبر اسلام (ص) که آخرین پیامبران الهی است، خود از نشانه های نزدیکی قیامت است، لذا در حدیثی از خود پیامبر ص می خوانیم که فرمود:

بعثت انا و الساعة کهاتین "مبعوث شدن من و قیامت همچون این دو است (تفسیر فخر رازی، جلد ۲۹، ص ۲۹) ( اشاره به دو انگشت مبارکش که در کنار هم قرار گرفته ).

از سوی دیگر شکافتن ماه خود دلیلی است بر امکان به هم ریختن نظام کواکب و نمونه کوچکی است از حوادث عظیمی که در آستانه رستاخیز در این جهان رخ می دهد، چرا که تمامی کواکب و ستارگان و زمین در هم می ریزند و عالمی نو به جای آنها ایجاد می شود.

طبق روایات مشهور که بعضی ادعای تواتر آن نیز کرده اند مشرکان نزد رسول خدا ص آمدند و گفتند: اگر راست می گویی و تو پیامبر خدایی ماه را برای ما دو پاره کن! فرمود: اگر این کار را کنم ایمان می آورید؟ عرض کردند آری و آن شب، شب چهاردهم ماه بود، پیامبر (ص) از پیشگاه پروردگار تقاضا کرد آنچه را خواسته اند به او

بدهد ناگهان ماه به دو پاره شد، و رسول الله آنها را یک یک صدا می زد و می فرمود: ببینید! ( "مجمع البیان" و کتب تفسیر دیگر زیل آیه مورد بحث. ) .

در اینکه چگونه ممکن است این کره عظیم آسمانی شکافته شود، و وجود چنین حادثه ای چه تاثیری بر کره زمین و منظومه شمسی می گذارد؟ و چگونگی جذب دو نیمه ماه بعد از شکافتن، و اینکه چگونه ممکن است چنین حادثه ای رخ داده باشد و تواریخ جهان ذکر از آن به میان نیاورند؟ و سؤالات دیگری در این زمینه به خواست خدا در بحث نکات مشروحا از آن سخن خواهیم گفت.

نکته ای که ذکر آن در اینجا لازم است اینکه بعضی از مفسران که تحت تاثیر پاره ای از القانات سوء قرار گرفته اند، و هرگونه انجام عمل خارق عادت را (جز قرآن) برای پیامبر اسلام ص منکر شده اند، با توجه به وضوح آیه فوق و کثرت روایاتی که در این زمینه در کتب علمای اسلام نقل شده به زحمت افتاده اند که چگونه این خارق عادت را توجیه کنند و طوری از کنار آن بگذرند که جنبه اعجاز آن نفی شود.

ولی حق این است که مساله "شق القمر" به صورت اعجاز انجام گرفته، و آیات بعد شواهد روشنی بر این امر در بر دارد، چه خوب بود آنها در آن اعتقاد نادرست تجدید نظر می کردند تا بدانند که پیامبر اسلام ص نیز معجزات و خارق عادت داشته، و اگر آیاتی از قرآن آن را نفی می کند اشاره به "معجزات اقتراحی" است که گروهی بهانه جو مطرح می کردند، نه قصد پذیرش حق داشتند، و نه بعد از انجام آن تسلیم حق می شدند، ولی معجزاتی که برای تحقیق حقیقت مطالبه می شد از سوی پیغمبر (ص) انجام می گرفت، و شواهد فراوانی بر این امر در تاریخ زندگی آن حضرت وجود دارد. [ توجه کنید ، پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) آنجا که باید و به قصد حق بوده است معجزه انجام داده است و شق القمر نیز نشان میدهد مشرکین قصد بهانه جویی داشتند برای همین در آیات سوره هایی که بعد از آن نازل شده است سخنانی می بینیم که خطاب به مشرکین بهانه جو ، معجزه را از آن خداوند میداند و نه در اختیار پیامبر ، تا این مشرکین بدانند پیامبر مبعوث شده از طرف خداوند برای دعوت به حق است نه اَعُوذُ بِاللّٰهِ ساحره ای که هر دم معجزه بکند تا نیاز مشرکین ارضا شود گویا سینما آمده اند . شق القمر انجام شد تا حقانیت پیامبر اثبات شود و کور بینی مشرکین ، چنانچه حضرت موسی (علیه السلام) نیز تنها یکبار عصایش به مار بزرگی تبدیل شد ، چون همان یکبار را فرمان داشت و بار دیگر عصایش دریا را شکافت ؛ اینها یعنی پیامبران تابع وحی اند و خداوند هر وقت که بخواهد چه برای نشان دادن حقانیت آن پیامبر که همانند پیامبران دیگر دارای معجزه هایی همچون بیرون آمدن شتر از دل کوه است [ جدای از معجزه های وحی همچون تورات و قرآن و انجیل ، چنانچه

حضرت موسی (ع) نیز تورات داشت و تورات عین قرآن معجزه بوده است اما معجزه های دیگری هم داشت و ایضاً حضرت عیسی (ع) که علاوه بر انجیل معجزه های دیگری هم داشت [ و چه برای اتمام حجت با مشرکین . ]

\*\*\* سپس قرآن می افزاید: "مخالفتان لجوج هنگامی که نشان و معجزه ای را بر صدق دعوت تو می بینند اعراض کرده، می گویند این سحری است مستمر!" (وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ).

تعبیر به "مستمر" اشاره به این است که آنها معجزات مکرری از پیامبر اسلام (ص) دیده بودند که شق القمر ادامه آن بود، آنها همه را بر تداوم سحر حمل می کردند، و آن را "سحری مستمر" می پنداشتند، هرچند این تهمت بهانه ای بود برای عدم تسلیم در مقابل حق.

بعضی مفسران "مستمر" را به معنی "قوتمند" تفسیر کرده اند (چنان که می گویند "جبل مریر" یعنی طناب محکم) و بعضی آن را به معنی "گذرا و ناپایدار" تفسیر نموده و لی ظاهر همان تفسیر اول است.

\*\*\* در آیه بعد به نکته مخالفت آنها، و همچنین به نتیجه شوم این مخالفت، اشاره کرده، می افزاید: "آنها تکذیب کردند، و از هوای نفسشان پیروی نمودند، و هر امری قرارگاهی دارد" (وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ).

سرچشمه مخالفت آنها و تکذیب پیامبر اسلام (ص) یا تکذیب معجزات و دلائل او، و همچنین تکذیب رستاخیز و قیامت، پیروی از هوای نفس بود، تعصبا و لجاجتها و خودخواهی ها به آنها اجازه نمی داد که در برابر حق تسلیم شوند، و از سوی دیگر علاقه به بی بند و باری برای کامجویی از لذات بدون هیچ قید و شرط، و آلودگی به هر گناه و ستم، مانع از این بود که دعوت حق را پذیرا شوند، چرا که قبول این دعوت مسئولیت آفرین بود. آری همیشه چنین بوده، و همواره چنان خواهد بود که مانع بزرگ در مسیر حق "هوا پرستی" است.

منظور از جمله " وَ كُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ " : " هر چیز قرارگاهی دارد" این است که هر کس به سزای عمل خویش می رسد، قرارگاه نیکی، نیکانند، و قرارگاه شر، بدانند.

این تعبیر احتمالاً اشاره به این حقیقت است که هیچ چیز در این عالم از میان نمی رود، و هر کار نیک و بدی ثابت و باقی می ماند تا انسان جزای آن را ببیند.

این احتمال نیز در تفسیر آیه فوق داده شده است که تکذیبها و اتهامات نمی تواند برای همیشه چهره حق را پوشاند، بلکه همه چیز به سوی قرارگاه خویش پیش می روند، و چیزی نمی گذرد که چهره زیبای حق آشکار، و چهره زشت و منفور باطل نیز ظاهر می گردد، و این یک سنت الهی در عالم هستی است.

این تفسیرها منافاتی با یکدیگر ندارد، و ممکن است همه آنها در مفهوم آیه جمع باشد.

\*\*\*

## نکته ها:

### اشاره

#### ۱- شق القمر یک معجزه بزرگ پیامبر اسلام (ص)

گرچه بعضی از کوتاه نظران اصرار دارند که این معجزه را طوری توجیه کنند که از صورت یک خارق العاده خارج شود، چنان که گفته اند: آیه فوق از آینده خبر می دهد، و مربوط به "اشراط ساعت" یعنی حوادث قبل از قیامت است، ولی قرائن متعددی در آیه وجود دارد که تاکید بر وقوع یک اعجاز می کند، از جمله ذکر این موضوع به صورت "فعل ماضی" که نشان می دهد "شق القمر" واقع شده است، همانگونه که نزدیکی رستاخیز با ظهور آخرین پیامبر نیز تحقق یافته.

بعلاوه اگر سخن از معجزه نباشد هیچ تناسبی با نسبت سحر به پیامبر (ص) که در آیه بعد آمده است ندارد، و همچنین با جمله "و کذبوا و اتبعوا اهلهم" که خبر از تکذیب آنها می دهد هماهنگ نیست.

افزون بر اینها روایات فراوانی در کتب اسلامی در زمینه وقوع این اعجاز نقل شده که در حد شهرت یا تواتر است، و لذا قابل انکار نمی باشد در اینجا به گفتاری از "فخر رازی" و "طبرسی" دو مفسر معروف اهل سنت و شیعه اشاره می کنیم، فخر رازی می گوید: "عموم مفسران معتقدند مراد از آیه این است که ماه شکافته شد، و روایات صحیحی نیز بر این معنی دلالت می کند، و امکان عقلی آن نیز جای تردید نیست، و از سوی دیگر پیامبر صادق (ص) از آن خبر داده، بنا براین باید آن را پذیرفت، اما داستان عدم خرق و التیام در افلاک (طبق عقیده ابطال شده بطلموسی) مطلبی بی اساس و غیر علمی است، چرا که با دلائل عقلی ثابت شده که خرق و تخریب در آسمانها کاملاً ممکن است".

مرحوم طبرسی نیز در "مجمع البیان" می گوید: مفسران این آیه را مربوط به معجزه شق القمر در زمان پیامبر اکرم ص می دانند، سپس تنها کسی را که در جهت مخالف این عقیده نام می برد عطا و حسن و بلخی است که با بی اعتنایی از قول آنها می گذرد ".

بعضی نقل کرده اند که "حدیفه" صحابی مشهور داستان شق القمر را در حضور جمع کثیری در مسجد مدائن نقل کرد و هیچکس بر او ایراد نگرفت، با اینکه بسیاری از حاضران عصر پیامبر (ص) را درک کرده بودند (این حدیث را در المنثور و قرطبی در ذیل آیه مورد بحث آورده اند).

بنابراین نه با توجه به خود آیه و قرائن موجود در آن، و نه از نظر روایات، و اقوال مفسران، موضوع شق القمر قابل انکار نیست، البته در اینجا سؤالاتی وجود دارد که به پاسخ آن خواهیم پرداخت.

## ۲ - شق القمر از نظر علوم روز

### اشاره

از سؤالات مهمی که در این بحث مطرح است این است که وقوع انشقاق و شکاف در اجرام آسمانی اصولاً امکان دارد؟ یا اینکه علم آن را به کلی نفی می کند؟ پاسخ این سؤال با توجه به مطالعات و اکتشافات دانشمندان فلکی چندان پیچیده نیست، زیرا اکتشافات می گوید: چنین چیزی نه تنها محال نیست، بلکه بارها نمونه های آن مشاهده شده، هر چند در هر کدام عوامل خاصی مؤثر بوده است.

به تعبیر دیگر: کرارا در دستگاه منظومه شمسی و سایر کرات آسمانی انشقاقها و انفجارهایی روی داده است که برای نمونه موارد زیر را یادآور می شویم [ در ادامه معظم له به پیدایش منظومه شمسی و آستروئیدها (قطعات سنگهای عظیم آسمانی که به دور منظومه شمسی در گردشند و گاهی از آنها به کرات کوچک و شبه سیارات تعبیر می کنند) و شهابها اشاره میکند و سپس میگوید: ]

به هر حال مساله انفجار و انشقاق در کرات آسمانی امری بی سابقه نیست، و هرگز از نظر علم محال نمی باشد تا گفته شود اعجاز به محال تعلق نمی گیرد [ اگرچه آن موقع که هیچ چیزی نبود پیدایش منظومه شمسی محال بود ولی خداوند بعنوان خالق هستی اینکار را کرد ].

اینها همه در مورد انشقاق است ولی بازگشت آن به حال معمولی بر اثر نیروی جاذبه ای که میان دو قطعه وجود دارد کاملاً امکان پذیر است.



گرچه در هیئت قدیم که بر محور عقیده "بطلمیوس" و افلاک نه گانه پوست پیازی اش، دور می زد، چنان این افلاک بلورین به هم پیوسته بودند که خرق و التیام آنها از نظر جمعی محال بود، و لذا پیروان این عقیده هم معراج جسمانی را منکر بودند، و هم شق القمر را، چرا که موجب شکافته شدن و سپس التیام در افلاک بود، ولی امروز که فرضیه هیئت بطلمیوسی به دست افسانه ها و اسطوره های خیالی سپرده شده، و اثری از آن افلاک نه گانه باقی نمانده، زمینه ای برای این سخنان باقی نیست.

شاید این نکته نیاز به یادآوری ندارد که شق القمر تحت یک عامل طبیعی معمولی صورت نگرفت، بلکه جنبه اعجاز داشت، ولی چون اعجاز به محالات تعلق نمی گیرد منظور در اینجا بیان امکان این مطلب بود (دقت کنید).

### ۳ - شق القمر از نظر تاریخی

ایراد دیگری که بعضی از ناآگاهان به مساله "شق القمر" دارند این است که اگر این امر حقیقتی داشت با آن همه اهمیتی که دارد باید در تواریخ جهان ثبت گردد، در حالی که چنین نیست.

ولی برای اینکه روشن شود این ایراد تا چه حد قابل اهمیت است، باید تجزیه و تحلیلی روی جهات مختلف این مساله صورت گیرد:

الف - باید توجه داشت که ماه همواره در نیمی از کره زمین قابل رؤیت است، نه در تمام آن، بنا بر این نیمی از مردم روی زمین از این حساب خارجند.

ب - در نیمی از همین نیم کره نیز اکثریت قریب به اتفاق آنها در خوابند، زیرا بعد از نیمه شب است، به این ترتیب تنها یک چهارم مردم جهان می توانند از چنین حادثه ای با خبر شوند.

ج - در بخش قابل رؤیت نیز هیچ مانعی ندارد که قسمتهای قابل توجهی از آسمان ابری، و چهره ماه با ابر پوشیده شده باشد.

د - حوادث آسمانی در صورتی جلب توجه افراد می کند که یا مانند صاعقه ها توأم با سر و صدای شدید باشد، یا مانند خسوف و کسوف کلی نور به طور کامل قطع شود، آن هم برای یک مدت نسبتاً طولانی.

به همین دلیل در خسوفهای جزئی و ماه گرفتگیهای مختصر اگر قبلاً از طرف منجمین اعلام نشود کمتر کسی با خبر می گردد، و حتی گاه بسیاری از مردم از خسوف کلی نیز بی خبر می مانند.

تنها دانشمندانی که اجرام آسمانی و ماه را رصد می کنند و یا کسانی که تصادفا چشم آنها به آسمان بیفتد ممکن است از چنین جریانی با خبر شوند، و عده ای دیگر را نیز با خبر سازند.

بنابراین چنین حادثه کوتاه مدتی آن طور که ابتدا تصور می شود مایه جلب توجه عمومی مردم جهان نیست، مخصوصا مردم آن زمان که اصولا برای اجرام آسمانی اهمیت کمتری قائل بودند.

ه - بعلاوه وسائل ثبت مطالب در تاریخ و نشر آن در آن زمانها محدود بود، و حتی تعداد باسوادها بسیار کم بودند، و کتابها خطی بود، مثل امروز نبود که حوادث مهم، برق آسا به وسیله رادیوها و تلویزیونها و مطبوعات در سراسر جهان نشر شود.

با توجه به این جهات و جهات دیگر هرگز نمی توان از عدم ذکر این حادثه در غیر تواریخ اسلامی تعجب کرد، و آن را دلیل بر نفی آن گرفت.

\*\*\*

#### ۴ - تاریخ وقوع این معجزه بزرگ

در اینکه شق القمر در مکه و قبل از هجرت پیامبر (ص) واقع شده در میان مفسران و روایت حدیث بحثی نیست، ولی از بعضی روایات استفاده می شود این امر در آغاز بعثت پیامبر (ص) بوده ( بحارالانوار جلد ۱۷ صفحه ۳۵۴، حدیث ۸) در حالی که از بعضی دیگر برمی آید که این امر نزدیک هجرت و در اواخر دوران مکه روی داده است، آنهم بنا به تقاضای حقیقت جویانی بود که از مدینه خدمت پیامبر (ص) آمدند و در عقبه با او بیعت کردند ( بحارالانوار جلد ۱۷ صفحه ۳۵۲، حدیث ۱) .

و نیز در بعضی روایات می خوانیم که علت پیشنهاد "شق القمر" به پیامبر (ص) این بود که می گفتند سحر در امور زمینی اثر می گذارد، ما می خواهیم مطمئن شویم که معجزات محمد [ صلوات الله علیه ] سحر نیست ( بحارالانوار جلد ۱۷ صفحه ۳۵۵، حدیث ۱۰) .

حتی جمعی از متعصبان لجوج بعد از دیدن این معجزه بزرگ گفتند ما قبول نخواهیم کرد مگر اینکه کاروانهای شام و یمن فرا رسند، و از آنها سؤال کنیم: آیا آنها در مسیر خود چنین چیزی را دیده اند، اما هنگامی که مسافران گفتند دیده ایم باز ایمان نیاوردند! ( درالمنثور جلد ۶ صفحه ۱۳۳) .

آخرین نکته ای که ذکر آن نیز در اینجا لازم است اینکه: این معجزه بزرگ همانند بسیاری از معجزات دیگر در تواریخ و روایات ضعیف با خرافاتی آمیخته شده که چهره آن را در نظر اندیشمندان دگرگون ساخته است، مانند فرود آمدن قطعه ای از ماه به روی زمین، ولی باید با دقت این خرافات را از آن جدا کرد تا چهره اصلی معجزه که جنبه علمی دارد لوٹ نشود.<sup>۲۵</sup>

### ۳ - مسخ بخاطر اهانت به قرآن :

یک تصویر<sup>۲۶</sup> و یک فیلم<sup>۲۷</sup> را در فضای مجازی منتشر کرده و سپس ادعا کردند که این دو، دخترانی بوده اند که بخاطر اهانت به قرآن مسخ شده اند. تصویر مذکور:



تصویری از ویدیوی مذکور:



درباره تصویر:

این تصویر را برای دختری هلندی بیان میکنند که به قرآن اهانت کرده و سپس آتش گرفته و وقتی آتش را مادرش خاموش میکند می بیند که به این شکل درآمده است؛ و اما رد آن:

اگر بنا بود به خاطر اینکار دختر هلندی مسخ اتفاق بیافتد که کم نیستند کسانی که مسخ کردنشان واجب تر از این دختر است اما مسخی برای ایشان اتفاق نمی افتد، آیات قرآن نیز نشان میدهند که مسخ شدن عذابی برای یک قوم از بنی اسرائیل بوده است نه اینکه یک فردی یک اهانتی بکند و بعدهم مسخ شود. همچنین این نیز که فردی آتش بگیرد و در حین آتش گرفتن مسخ شود هیچ گونه سندیتی ندارد. این تصویر هم مربوط به یک مجسمه است که

خود تصویر - به اصطلاح - داد میزند که مجسمه است، مدافعین این نظریه باید منبعی برای گفته های خود ذکر میکردند که نکردند و منبع معتبر اتفاقاً به مجسمه بودن این تصویر گواهی میدهد، حتی اگر آن منبع هم نبود که مجسمه بودن تصویر را نشان میداد، مسخ شدن این دختر و مربوط بودن عکس به او بی اعتبار است.

درباره ویدیو :

میگویند این دختر بخاطر اهانت به قرآن شبیه سگ شده است؛ و اما رد آن :

اولاً، ویدیو با کیفیت نبوده و لکن خیلی چیزها در آن درست معلوم نیست.

دوماً تنها از یک زاویه ویدیو گرفته شده و براحتی میتواند فریب باشد.

سوماً هیچ گونه سندیتی این ویدیو نداشته و یک سند وجود ندارد که اصلاً بیان کند این ویدیو مربوط به یک دختر است.

چهارماً چون تمام این ویدیو را با تکنیک های سینمایی میتوان ساخت، ویدیو باید ارجاع دهی معتبری برای صحت گفته های خود میداشت که ندارد. همچنین گفته های ما درباره مسخ نیز بر این ویدیو صدق میکند که به چه دلیل اصلاً این دختر باید مسخ شود و کم نیستند کسانی که قرآن را در ملا عام سوزانده اند و مسخ نشدند [ همچون کشیش افراطی مسیحی یعنی تری جونز ] چه رسد به کسی که در غیر از ملا عام به قرآن اهانت کرده باشد.

## نتیجه گیری :

وقتی هر خبر و یا هر چیز دیگر عجیبی را در فضای مجازی می بینید [ مثلاً کشفیات و ... ] که مربوط به دین اسلام یا نظام جمهوری اسلامی است و البته در ظاهر نیز به نفع آن است، در ابتدا کاملاً محتاط باشید چرا که عده کثیری با هزینه های چندین میلیون دلاری در خارج و داخل کشور منتظر هر فرصتی برای ضربه زدن به دین اسلام و نظام اسلامی هستند، بنابراین اگر چیزی مربوط به علوم تجربی کشف شود که بخواهد شبیه به نوعی معجزه آنرا تأیید کند، این افراد تمام توان خود را به کار خواهند گرفت تا آنرا تخریب کنند، پس اگر چیزی همچون تأیید شق القمر توسط ناسا پیدا شد از آنجایی که این چنین چیزی ابداً به مذاق ضد اسلام ها خوش نمی آید باید [ برای تأکید : باید [ صبر کنید تا واکنش آنها را ببینید که چه میکنند و ابداً تا وقتی واکنشی نشان ندادند شما شایعه را باز پخش نکنید، چنانچه شبیه به همین موارد، سگ شدن یک دختر نیز بود که در فضای مجازی فراگیر نشد. اگر اینطور رفتار کنید مابقی شایعات نیز فراگیر نمیشوند. وقتی هم که واکنش نشان دادند واکنش آنها را ببینید که آیا روی به نقد آن آورده اند یا بیان یا تأیید آن، بعنوان مثال یکبار می بینید bbc پستی را در بیان یکی از این شایعه ها پخش میکند و یا آفتاب نیوز، در اینجا اینها شایعه را بیان و بذرش را کاشتند که باید به ایشان بگویید سند خود را ارائه دهید حتی اگر آن شایعه همچون مسخ شدن دختر بظاهر برای تأیید قرآن بوده است و اگر سند معتبری ارائه ندادند و گفتند ما تنها نقل کردیم و ... با همان شایعه به وبسایت مذکور تاخته که چرا بی سند سخن میگوید. یک وقت است که می آیند و شایعه را نقد میکنند در اینجا است که معلوم میشود شایعه بوده یا حقیقت داشته است، حال شما، هم شایعه و هم نقد آنرا ببینید اگر دیدید قابل دفاع کردن است شروع به نشر خبر [ دیگر شایعه نیست ] و رد نقد گفته های دشمنان اسلام بکنید. اما یک وقتی است که در وبسایت باشگاه خبرنگاران جوان یک شایعه می بینیم که نقل شده و بعنوان معجزه قرآن تأیید شده است که در اینجا تنها باید منتظر واکنش بمانید چرا که به مرور زمان، خود به خود حقیقت مشخص میشود.

## پانویس ها :

۱ : [www.khabaronline.ir/news/755207](http://www.khabaronline.ir/news/755207) .

۲ : [www.yjc.ir/fa/news/5643834](http://www.yjc.ir/fa/news/5643834) ، همچنین فیلمی کامل تر در اینجا موجود است :

[tamasha.com/v/LmwwL](http://tamasha.com/v/LmwwL)

۳ : [ucsc.academia.edu/KennethBruland](http://ucsc.academia.edu/KennethBruland) .

۴ : [www.adn.com/science/article/mythbusting-place-where-two-oceans-meet-gulf-](http://www.adn.com/science/article/mythbusting-place-where-two-oceans-meet-gulf-)

[alaska/2013/02/05](http://alaska/2013/02/05) .

۵ : [www.shabestan.ir/detail/News/392498](http://www.shabestan.ir/detail/News/392498) .

۶ : [www.gomaneh.com/2718](http://www.gomaneh.com/2718) . هنگامی که میخواستیم لینک وبسایت گمانه را باز کنیم با پیغام ارور

مربوط به سرور سایت مواجه شدیم.

:۷

[websites.pmc.ucsc.edu/~kbruland/Research/GulfAlaska/kwbResProjGulfAk2.html](http://websites.pmc.ucsc.edu/~kbruland/Research/GulfAlaska/kwbResProjGulfAk2.html)

و همچنین :

[www.academia.edu/30833332/Reactive\\_iron\\_delivery\\_to\\_the\\_Gulf\\_of\\_Alaska\\_via\\_a\\_Kenai\\_eddy](http://www.academia.edu/30833332/Reactive_iron_delivery_to_the_Gulf_of_Alaska_via_a_Kenai_eddy)

۸ : [www.heraldnewsmagazine.com/features-story/environment/meet-yet-didnt-mix-](http://www.heraldnewsmagazine.com/features-story/environment/meet-yet-didnt-mix-)

[gulf-alaska/](http://gulf-alaska/)

۹ : [www.snopes.com/fact-check/merging-oceans](http://www.snopes.com/fact-check/merging-oceans) .

۱۰ : [soundwaves.usgs.gov/2008/03/](http://soundwaves.usgs.gov/2008/03/) .

۱۱ : [websites.pmc.ucsc.edu/~kbruland/](http://websites.pmc.ucsc.edu/~kbruland/) .

۱۲ : [dumaku.com/watch/ija6nVTTvsY](http://dumaku.com/watch/ija6nVTTvsY) .

۱۳ : [www.geologypage.com/2017/11/atlantic-pacific-ocean-not-mix.html](http://www.geologypage.com/2017/11/atlantic-pacific-ocean-not-mix.html) .

۱۴ : [en.wikipedia.org/wiki/HELCOM](http://en.wikipedia.org/wiki/HELCOM) .

۱۵ : [btechprasad.com/science-behind-baltic-north-sea-not-mixing](http://btechprasad.com/science-behind-baltic-north-sea-not-mixing) .

۱۶ : راغب اصفهانی در مفردات میگوید :

معنی اصلی بحر، هر مکان وسیعی است که آب زیادی را در خود جمع کرده است و این معنی وضعی و ریشه ای بحر است سپس با دیدن وسعت و فرخندگی دریا تشبیها گفته میشود بحرت کذا مثل دریا وسعش دادم و همچنین بحرت البعیر - یعنی گوش آن شتر را وسیعاً شکافتم .

منبع :

ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن ؛ نویسنده : حسین بن محمد راغب اصفهانی ؛ ترجمه و تحقیق همراه با تفسیر لغوی و ادبی قرآن ؛ غلامرضا خسروی حسینی ؛ ناشر چاپی : المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه ؛ ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ؛ صفحه ۲۴۱ .

۱۷ : [en.wikipedia.org/wiki/Rhône](http://en.wikipedia.org/wiki/Rhône) .

۱۸ : [fr.wikipedia.org/wiki/Arve](http://fr.wikipedia.org/wiki/Arve) .

۱۹ : [pateshestvenik.com/15-удивителни-места-където-се-сливат-ра](http://pateshestvenik.com/15-удивителни-места-където-се-сливат-ра) . در این لینک

عکس دو دریا را مربوط به دریای بالتیک و شمال دانسته است که بنظر ما میتواند اشتباه باشد .

۲۰ : [en.wikipedia.org/wiki/Gulf\\_Stream](http://en.wikipedia.org/wiki/Gulf_Stream) .

۲۱ : تفسیر نمونه ؛ نویسنده : آیت الله ناصر مکارم شیرازی ( بهمراه جمعی از دانشمندان ) ؛ ناشر چاپی : دارالکتب الاسلامیه ؛ ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ؛ جلد ۱۵ ؛ صفحات ۱۲۴ الی ۱۳۲ .

۲۲ : <https://www.yjc.ir/fa/news/6377920> .

۲۳ : <https://www.afkarnews.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-5/194103-%D8%A2%DB%8C%D8%A7-%D9%86%D8%A7%D8%B3%D8%A7-%D9%85%D8%B9%D8%AC%D8%B2%D9%87-%D8%B4%D9%82-%D8%A7%D9%84%D9%82%D9%85%D8%B1-%D8%B1%D8%A7->



%D8%AA%D8%A7%DB%8C%DB%8C%D8%AF-  
. %DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA

https://miraclesofthequran.persianblog.ir/ZKAN75rNO6fbLo9eE7Dq- : ۲۴

%D8%A8%D8%B1%D8%B3%DB%8C-  
%D9%85%D8%B9%D8%AC%D8%B2%D9%87-%D8%B4%D9%82-  
. %D8%A7%D9%84%D9%82%D9%85%D8%B1

۲۵: تفسیر نمونه ؛ نویسنده : آیت الله ناصر مکارم شیرازی ( بهمراه جمعی از دانشمندان ) ؛ ناشر چاپی : دار الکتب  
الاسلامیه ؛ ناشر دیجیتال : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ؛ جلد ۲۳ ؛ صفحات ۷ الی ۱۹ .

۲۶: متن شایعه را آفتاب نیوز به گفته خودش به نقل از یک وبسایت ترکی بیان کرده است :

aftabnews.ir/vdcc.eq4a2bqipla82.html

در فضای مجازی این شایعه با عکسی که قرار دادیم پخش شد .

. www.aparat.com/v/1xhAQ : ۲۷